

پیوست به خطبه ۱۴۷ نهج البلاغه:

### **الف. تلاش معاویه برای تحریف در آیات فضائل امیرالمومنین:**

معاویه مبلغ چهارصد هزار درهم به «سمرة بن جندب» (یکی از جاعلان حدیث) داد، تا اعلام کند که این دو آیه درباره علی(علیه السلام) نازل شده است:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»؛ (و از مردم کسانی هستند که گفتار آنان در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می شود، و خدا را بر آنچه در دل دارند، گواه می گیرند، در حالی که آنان سرسخت ترین دشمنانند. آنان هنگامی که روی بر می گردانند (و از نزد تو خارج می شوند) در راه فساد در زمین می کوشند و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با این که می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد.) (۶)

در حالی که این آیه مطابق سخن مفسران درباره «اخنس بن شریق» منافق نازل شده است، که در عصر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) دست به جنایاتی زد.

وی همچنین اعلام کرد آیه ۲۰۷ سوره بقره که می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»؛ (برخی از مردم جان خویش را به خاطر خشنودی خدا می فروشند). در وصف ابن ملجم (قاتل امیرمؤمنان(علیه السلام)) نازل شده است، (در حالی که این آیه درباره علی(علیه السلام) در ماجرای لیلۃ المبیت نازل شده بود)

### ب. مناظره ابن عباس با معاویه در مورد آیات فضیلت علی:

بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۲۴

قَدِمَ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ حَاجًّا فِي خِلَافَتِهِ فَاسْتَقْبَلَهُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَنَظَرَ فَإِذَا الَّذِينَ اسْتَقْبَلُوهُ مَا مِنْهُمْ إِلَّا قُرَشِيٌّ فَلَمَّا نَزَلَ قَالَ مَا فَعَلْتَ الْأَنْصَارُ وَمَا بِالْهَمِّ لَمْ يَسْتَقْبَلُونِي فَقِيلَ لَهُ إِنَّهُمْ مُحْتَاجُونَ لَيْسَ لَهُمْ دَوَابُّ (شتر) فَقَالَ مُعَاوِيَةُ وَ أَيْنَ نَوَاضِحُهُمْ (شترهای آب کش) فَقَالَ قَيْسُ بْنُ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ وَ كَانَ سَيِّدَ الْأَنْصَارِ وَ ابْنِ سَيِّدِهَا أَفَنُوهَا يَوْمَ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ وَ مَا بَعْدَهُمَا مِنْ مَشَاهِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص حِينَ ضَرَبُوكَ وَ أَبَاكَ عَلَى الْإِسْلَامِ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ كَارِهُونَ (از پیروزی اسلام) فَسَكَتَ مُعَاوِيَةُ فَقَالَ قَيْسٌ أَمَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص عَهْدَ إِلَيْنَا أَنَّا سَنَلْقَى بَعْدَهُ أَثَرَهُ (حاکم ظالمی) قَالَ مُعَاوِيَةُ فَمَا أَمْرُكُمْ بِهِ فَقَالَ أَمَرْنَا أَنْ نَصْبِرَ حَتَّى نَلْقَاهُ قَالَ فَاصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْهُ

ثُمَّ إِنَّ مُعَاوِيَةَ مَرَّ بِحَلْقَةٍ مِنْ قُرَيْشٍ فَلَمَّا رَأَوْهُ قَامُوا غَيْرَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ مَا مَنَعَكَ مِنَ الْقِيَامِ كَمَا قَامَ أَصْحَابُكَ إِلَّا لِمَوْجِدَةٍ (كینه) أَنِّي قَاتَلْتُكُمْ بِصَفِينٍ فَلَا تَجِدُ مِنْ ذَلِكَ يَا ابْنَ

عَبَّاسٍ (ناراحت نباش) فَإِنَّ عُثْمَانَ قُتِلَ مَظْلُومًا (یعنی ما برای خون خواهی او صفین را بپا کردیم) - قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَعَمَّرُ بْنُ الْخَطَّابِ قَدْ قُتِلَ مَظْلُومًا قَالَ عُمَرُ قَتَلَهُ كَافِرٌ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَمَنْ قَتَلَ عُثْمَانَ قَالَ قَتَلَهُ الْمُسْلِمُونَ قَالَ فَذَاكَ أَدْحَضُ لِحُجَّتِكَ (همین برای سکوت تو کافی است زیرا انتقام از کافر اولی است تا انتقام از مسلمان در حالی که تو کافر را رها کردی).

قَالَ فَإِنَّا قَدْ كَتَبْنَا فِي الْأَفَاقِ نَهَى عَنْ ذِكْرِ مَنَاقِبِ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ع فَكُفَّ لِسَانُكَ فَقَالَ يَا مُعَاوِيَةَ أَتَنْهَانَا عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ قَالَ لَا قَالَ أَ فَتَنْهَانَا عَنْ تَأْوِيلِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَتَقْرَؤُهُ وَ لَا نَسْأَلُ عَمَّا عَنِ اللَّهِ بِهِ (قصد کرده است آن معنا را)

ثُمَّ قَالَ فَأَيُّهُمَا أَوْجَبُ عَلَيْنَا قِرَاءَتَهُ أَوْ الْعَمَلُ بِهِ قَالَ الْعَمَلُ بِهِ قَالَ كَيْفَ نَعْمَلُ بِهِ وَ لَا نَعْلَمُ مَا عَنِ اللَّهِ قَالَ سَلْ عَنْ ذَلِكَ مَنْ يَتَأَوَّلُهُ عَلَى غَيْرِ مَا تَتَأَوَّلُهُ أَنْتَ وَ أَهْلُ بَيْتِكَ (تاویل قرآن را از کسانی بپرس که از خاندان پیامبر نباند)

قَالَ إِنَّمَا أَنْزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي أَسْأَلُ عَنْهُ آلَ أَبِي سُفْيَانَ يَا  
مُعَاوِيَةَ؟ أَمْ تَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ اللَّهَ بِالْقُرْآنِ بِمَا فِيهِ مِنْ حَلَالٍ وَحَرَامٍ فَإِنْ  
لَمْ تَسْأَلِ الْأُمَّةَ عَنْ ذَلِكَ (تاويلات قرآن را) حَتَّى تَعْلَمَ تَهْلِكَ وَتَخْتَلِفُ.

قَالَ اقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَتَأْوَلُوهُ وَ لَا تَرَوْوَا (روایت نکنید) شَيْئاً مِمَّا أَنْزَلَ  
اللَّهُ فِيكُمْ وَ ارْوُوا مَا سِوَى ذَلِكَ

ایه اطعام

معاویه گفت: «تفسیر بگو و خلاف حقیقت و دروغ هم معنا مکن،  
لکن حق نداری دم از فضیلت علی بزنی.» ابن عباس گفت: بسیار  
خوب، لکن گاهی من این آیه شریفه را می‌خوانم: «و يُطْعَمُونَ  
الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اسِيرًا.»

از من سؤال می‌کنند: خداوند در این آیه از چه کسانی ستایش  
می‌کند؟ اگر بگوییم آنان علی و فاطمه و فضّه خادمه می‌باشند، آیه را  
به نحو حقیقت تفسیر نموده‌ام و الا آیه را به دروغ و خلاف واقع  
تفسیر کرده‌ام.»

آیه ابلاغ برابر رسالت

معاویه گفت: «آیات دیگر را از برای مردم تفسیر کن مگر قرآن آیه دیگری ندارد؟» ابن عباس گفت: «بسیار خوب، اینک آیه دیگری می‌خوانم و آنگاه این آیه را خواند: **«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.»**

از من سؤال می‌کنند، پیامبر مامور به ابلاغ چه موضوعی بوده که اگر آنرا ابلاغ نمی‌کرد گویا اصلاً رسالت خود را ابلاغ نکرده؟ اگر بگویم پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در غدیر خم مامور بود تا علی (علیه‌السلام) را به عنوان خلیفه بلافصل خود معرفی نماید آیه را درست تفسیر کرده‌ام و الا بر خلاف واقع سخن گفته‌ام.»

آیه نجوا

معاویه گفت: «مگر حتماً باید این آیه را تفسیر کنی؟ آیه دیگری بخوان» ابن عباس گفت: «این آیه شریفه را بشنو: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ.»**

از من می‌پرسند: آیا کسی به این آیه شریف عمل نموده؟ اگر بگویم تنها کسی که به این آیه عمل نموده علی (علیه‌السلام) است و او با

اینکه یک دینار بیشتر نداشت، با این حال یک دینار را به ده درهم فروخت و هر گاه می‌خواست با پیامبر نجوا کند، یک درهم صدقه می‌داد، در این صورت آیه را صحیح تفسیر کرده‌ام و الا بر خداوند دروغ بسته‌ام و من هرگز جرات آن را ندارم که بر خلاف واقع، قرآن را تفسیر کن

آیه لیه‌المبیت

معاویه گفت: «از آیات دیگر قرآن بخوان.» ابن عباس خواند:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ»

از من می‌پرسند: «آن کسی که جان خود را در راه رضایت خدا بذل نمود که بوده؟ اگر بگویم آن شخص علی (علیه‌السلام) بود که در «لیلة‌المبیت» بجای پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در بستر خوابید تا اینکه آن حضرت بتواند به مدینه هجرت کند، آیه را به نحو حقیقت و واقع تفسیر نموده‌ام والا به خداوند اسناد دروغ داده‌ام.»

## آیه مودت

معاویه گفت: «از آیات دیگر قرآن بخوان.» ابن عباس گفت: این آیه شریفه را گوش کن: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.»

از من سؤال می‌کنند: «ذی القربی» کیانند که محبت آنان در عوض مزد رسالت پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌باشد؟ اگر بگویم مراد، علی و فاطمه و فرزندان آنهاست درست تفسیر کرده‌ام و گرنه بر خلاف واقع تفسیر کرده‌ام و من هرگز این کار را نخواهم کرد.

## آیه تطهیر

معاویه گفت: «قرآن هزاران آیه دارد، آیه دیگری بخوان.»

ابن عباس خواند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.»

از من می‌پرسند: آنانیکه خداوند هر رجس و پلیدی را از آنها زایل نموده چه کسانی هستند؟ اگر بگویم آنان اهل بیت پیغمبر اکرم

(صلی اللہ علیہ وآلہ) هستند برآستی سخن گفته‌ام و الا آیه را به دروغ تفسیر کرده‌ام.

آیه مباحله

معاویه گفت: «مگر در قرآن آیه دیگری نیست؟»

ابن عباس این آیه شریفه را خواند: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْ نَدْعُ آبْنَانَا وَ آبْنَائِكُمْ وَ نَسَائِنَا وَ نَسَائِكُمْ وَ أَنْفُسَنَا أَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهَلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.»

و گفت: «از من سؤال می‌کنند: داستان مباحله پیغمبر (صلی اللہ علیہ وآلہ) با نصاری نجران که بنا شد در حق هم نفرین کنند تا خداوند دروغگو را از بین ببرد چیست؟ اگر بخواهم طبق واقع تفسیر کنم باید بگویم: پیغمبر اکرم (صلی اللہ علیہ وآلہ) در روز مباحله دو فرزند خود، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و زهرا (علیها السلام) و علی (علیه السلام) را با خود همراه کرد و از علی (علیه السلام) تعبیر به «نفس» و جان خود کرد، اما اگر بگویم پیغمبر (صلی اللہ علیہ وآلہ) مردی غیر از علی (علیه السلام) را جهت



مباهله با خود همراه کرد قطعاً دروغ گفته‌ام و من هرگز بر خلاف واقع آیه‌ای تفسیر نمی‌کنم.»

## آیه ولایت

معاویه گفت: «آیه دیگری بخوان.»

ابن عباس خواند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.»

پس گفت: «اگر از من بپرسند: آن کسی که بعد از خدا و رسول بر مردم ولایت دارد و دارای این صفت بوده که در حال رکوع نماز زکات داده کیست؟ اگر بگویم او علی (علیه‌السلام) است به نحو حقیقت سخن رانده‌ام والا آیه را بر خلاف حقیقت تفسیر کرده‌ام و از من چنین انتظاری نداشته باش.»

## آیه انذار

معاویه گفت: «آیه دیگری را برای مردم تفسیر کن، مگر قرآن فقط شامل همین آیاتی بود که در شان علی تفسیر کردی؟»

ابن عباس گفت: پس این آیه را بشنو «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ.

«از من سؤالی می‌شود که تفسیر این آیه چیست؟ ما «منذر» را که پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) باشد شناخته‌ایم، امّا، هادی امّت را نمی‌شناسیم اگر بگوییم مقصود از «هادی امّت» علی (علیه‌السلام) است براستی سخن گفته‌ام زیرا تمام علماء خاصّه و عامّه این حدیث شریف را از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل نموده‌اند که فرمود: «إِنَّا الْمُنذِرُ وَ عَلِيُّ الْهَادِي وَ بِكَ يَا عَلِيُّ يُهْتَدَى الْمُهْتَدُونَ» من

ترساننده امّت و علی رهنمای آنان می‌باشد و سپس فرمودند: یا علی توسط تو مردم به راه راست هدایت خواهند شد و هر گاه آیه شریفه را خلاف واقع تفسیر کنم گناه کار خواهم بود و من طاقت عقوبت خداوند را ندارم.»

امام علی باب علم

معاویه گفت: «مگر قرآن آیات دیگری ندارد که تفسیر کنی؟»

ابن عباس گفت: بسیار خوب آیه دیگری را گوش کن: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ.»

مردم از من سؤال می‌کنند: آن کسی که در نزد او علم قرآن بوده چه کسی است؟ اگر بگویم علی (علیه‌السلام) است برآستی سخن گفته‌ام زیرا تمام مفسرین از اهل تسنن و تشیع نقل کرده‌اند که چون از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سؤال شد: آن کسی که علم قرآن در نزد اوست کیست؟ فرمود: علی (علیه‌السلام) است بعلاوه رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بارها فرمودند:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَالْيَتَّيْتَهَا مِنْ بَابِهَا»

«من شهر علم و علی بمنزله باب علم و حکمت است، پس هر کس دانش می‌خواهد باید ابتدا دست به دامن علی (علیه‌السلام) شود.»

آیه اعتصام

معاویه گفت: «از آیات دیگر قرآن قرائت کن.»

ابن عباس گفت «این آیه شریفه را می‌خوانم: **«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا.»**»

از من از تفسیر این آیه سؤال می‌کنند؛ اگر بگویم مقصود از ریسمانی که مردم باید به آن چنگ بزنند تا دچار اختلاف نشوند، اهل بیت پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و در راس آنان علی (علیه‌السلام) است براستی سخن گفته‌ام زیرا خاصه و عامه بنحو تواتر این حدیث را از وجود مبارک نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل کرده‌اند که فرمود:

«إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ حَبْلَيْنِي، إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ، كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» «به درستی که من دو ریسمان محکم را در بین امت خود به یادگار می‌گذارم، و هر کس به این دو ریسمان محکم چنگ بزند هرگز گمراه نمی‌شود، یکی از آنها بزرگ‌تر از دیگری است و آن قرآن است که چون ریسمان از آسمان به زمین کشیده شده و دیگری عترت من است و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد گردند.» ای معاویه! اگر من آیه را به غیر از این تفسیر کنم بر خلاف حقیقت معنی نموده‌ام و من هرگز چنین نخواهم کرد.

